

DOI: [10.22034/isqt.2024.11864](https://doi.org/10.22034/isqt.2024.11864)

واکاوی سیره قرآنی امام حسین(ع) در اصلاح ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی جامعه اسلامی

اصغر طهماسبی بلداجی^۱

چکیده

سیره امام حسین(ع) همچون دیگر معصومین(ع) نمونه‌ای تام و مطلق در بندگی خداوند است. امام حسین(ع) تمام زندگی خود را وقف خداوند نمودند و در این راه تمام تلاش خود را جهت هدایت مردم و اجرای احکام الهی انجام دادند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیره امام حسین(ع) در اصلاح و احیای ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی پرداخته است. قسمت اول این پژوهش به سیره امام حسین(ع) در اصلاح ارزش‌های اعتقادی اشاره می‌نماید که در این باره امام حسین(ع) به تبیین باورهای توحیدی، شناخت خداوند و بندگی باری تعالی و همچنین معرفی و تبیین مقام اهل بیت(ع) و ولایت ایشان می‌پردازد. در قسمت دوم ارزش‌های اخلاقی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی بیان شده است و در این باره به نقش امام حسین(ع) در اصلاح و تبیین این ارزش‌ها اشاره شده است. نتیجه آن که: امام حسین(ع) در ابعاد پیش گفته به اصلاح ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی در جامعه آن روز می‌پردازد که غایت این تلاش، تبیین صحیح آموزه‌های دینی بوده است و مهم‌تر آن که توجه به این مجاهدت امام حسین(ع) در عصر حاضر به تعالی فرهنگ اسلامی و نهادینه سازی ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی در جوامع اسلامی کمک می‌نماید؛ همچنان که شخصیت دینی ایشان در میان مسلمانان بیش از پیش شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی: امام حسین(ع)، ارزش‌های اعتقادی، ارزش‌های اخلاقی، سیره پژوهی.

^۱ استاد یار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهرکرد؛ tahmasebiasghar@yahoo.com

مقدمه

ائمه(ع) به عنوان جانشینان پیامبر اکرم(ص) نقش مهمی در تبیین آموزه های دینی و هدایت انسان ها داشته اند. آنان مصداق این آیه مبارک هستند که می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (الانبیاء/۷۳) هر یک از ائمه(ع) با توجه به مقتضیات زمانی خود تلاش می نمودند تا از موقعیت خود جهت هدایت مردم و تبیین معارف و احکام الهی بهره ببرند. امام حسین(ع) نیز همچون سایر ائمه(ع) با تاسی به قرآن و پیامبر اکرم(ص) در این زمینه تلاش خود را انجام دادند و در این راه تمام هستی خود را فدای خداوند نمودند. سیره امام حسین(ع) در اصلاح ارزش های اعتقادی و اخلاقی بر دو مبنا است؛ اول اصلاح ارزش ها و دوم تبیین صحیح آنها. در جامعه آن روز با توجه به حکومت ظالمانه و غاصبانه بنی امیه و تلاش آنها در جعل و تحریف تعالیم اسلامی از یک سو و تفسیر به رای برخی از صحابه و تابعین درباره قرآن از سوی دیگر، باعث شده بود تا انحرافات در آموزه های دین اسلام به وجود بیاید. در بعد اعتقادی باور به تشبیه خداوند و یا دیدن باری تعالی، مقایسه خداوند با مخلوقات از انحرافات بود که نیاز به اصلاح جدی داشت. امام حسین(ع) با روش های مختلف به اصلاح این امر پرداختند و با استناد به آیات قرآن مباحث خداشناسی را تبیین نمودند. در زمینه اخلاقی نیز علاوه بر اصلاح ارزش ها، امام حسین(ع) با سیره علمی و عملی خود ارزش های والای اخلاقی در ابعاد فردی و اجتماعی را برای مردم بیان نمودند. نهایت اصلاح ارزش ها توسط امام حسین(ع) به واقعه عاشورا منتهی گردید که امام(ع) با آن حماسه بزرگ راه کج روی و انحراف بدخواهان اسلام را برای همیشه مسدود کردند و با خون خود موجبات جاودانگی این آخرین شریعت الهی را فراهم نمودند. تبیین مجاهدت های ایشان علاوه بر تبیین سیره امام در این زمینه به معرفی ایشان و مجاهدت های ایشان در دفاع از دین خدا می پردازد که غایت این مهم معرفی هر چه بیشتر امام حسین به مسلمانان و حتی غیر مسلمانان است. درباره پژوهش حاضر با توجه به تتبع نویسنده پژوهشی نگاشته نشده است بر همین اساس این پژوهش با رویکردی جدید با نگاهی کلی به سیره امام حسین در کل حیات ایشان نه فقط منحصر به واقعه عاشورا، جایگاه ایشان و مجاهدت های ایشان در اصلاح ارزش های دینی را مورد تحلیلی و بررسی قرار داده است.

سیره امام حسین(ع) در اصلاح ارزش های دینی

سیره امام حسین(ع) در تمامی ابعاد نشانگر اصلاح ایشان در تحریفات و بیان حقایق است در این پژوهش به دو بعد اعتقادی و اخلاقی در این زمینه اشاره می شود.

۱- اصلاح و تبیین ارزش‌های اعتقادی

دعوت به خداشناسی و مباحث اعتقادی از اهداف مشترک تمامی پیامبران(ع) بوده است. امام حسین(ع) نیز به تاسی از پیامبر اکرم(ص)، امام علی(ع) و امام حسن(ع) تمام تلاش خود را برای دعوت مردم به مباحث اعتقادی انجام دادند و در این زمینه تمام هستی خود را در راه خداوند فدا نمودند. انحرافات که در زمینه خداشناسی و .. در زمان امام حسین(ع) وجود داشت، امام(ع) به اصلاح این امر و تبیین و ترویج صحیح مباحث دینی و اعتقادی پرداختند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین اقدامات امام حسین(ع) در تبیین و ترویج ارزش‌های اعتقادی در جامعه اشاره می‌شود.

۱-۱- تبیین صحیح توحید و شناخت خداوند

اعتقاد به یگانگی خداوند، تسبیح، تقدیس و تحمید باری تعالی از اصول مسلم زندگی اسلامی تلقی می‌شود. در دین اسلام در ذیل آیات قرآن و روایات صحیح از معصومین(علیهم السّلام) معرفی خداوند دور از هر گونه تشبیه و تجسیم و محدودیت است؛ شناختی جامع و کامل که هر گونه نقص و جهل و محدودیت را از ذات خداوند منزّه می‌دارد. در زمینه توحید و خداشناسی امام حسین(ع) در چند بعد به تبیین این مساله پرداختند از جمله:

۱-۱-۱- تنزیه خداوند از تشبیه

یکی از مهم‌ترین اقدامات امام حسین(ع) در جامعه آن روز به تاسی از قرآن و سنت پیامبر(ص)، شناسایی صحیح خداوند بدون هر گونه تشبیه به صفات مخلوقین بود. متأسفانه در برخی از فرق اسلامی عدم تفسیر صحیح از آیات قرآن، و تمسک به روایات نامعتبر باعث شده تا برخی از فرق اسلامی قائل به تشبیه خداوند به مخلوقات و حتی دیدن خداوند به چشم ظاهر شوند (اشعری، ۱۴۰۰: ۲۲۹).

امام حسین(ع) با استناد به آیات قرآن کریم به اصلاح این تفکر ناصحیح(تشبیه خداوند) که در آن زمان در میان برخی بوده پرداخته است، امام حسین(ع) در نفی تشبیه از خداوند و تنزیه باری تعالی از هر گونه تجسیم و تشبیه می‌فرماید: «هُوَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ - لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ اسْتَخْلَصَ الْوَحْدَانِيَّةَ وَ الْجَبْرُوتَ وَ أَمْضَى الْمَشِيئَةَ وَ الْإِرَادَةَ وَ الْقُدْرَةَ وَ الْعِلْمَ بِمَا هُوَ كَائِنٌ لَا مُنَازَعَ لَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ لَا كُفُولَهُ يُعَادِلُهُ وَ لَا ضِدَّ لَهُ يُنَازِعُهُ وَ لَا سَمِيَّ لَهُ يُشَابِهُهُ وَ لَا مِثْلَ لَهُ يُشَاكِلُهُ لَا تَدَاوِلُهُ الْأُمُورُ وَ لَا تَجْرِي عَلَيْهِ الْأَحْوَالُ وَ لَا تَنْزِلُ عَلَيْهِ الْأَحْدَاثُ» (حرانی، ۱۴۴۴ق: ۳۴۴). امام حسین(ع) خداوند را منزّه از آن می‌داند که بتوان به کنه او رسید و با صفات مخلوقین او را قیاس نمود. امام(ع) این اعتقاد اشتباه را که می‌توان خداوند را دید به شدت رد می‌نماید و در این باره می‌فرماید: «اِحْتَجَبَ عَنِ الْعُقُولِ كَمَا احْتَجَبَ عَنِ الْأَبْصَارِ» (حرانی، ۱۴۴۴ق: ۳۴۴). در آیات متعدد قرآن کریم (الرعد/۱۶؛ الفاطر/۳؛ الشوری/۱۱؛ الانعام/۱۰۳؛ اخلاص/۳-۱؛ نحل/۳۶؛ فاطر/۱) و روایات متعدد از معصومین(ع) (ن. ک: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه اول؛ کلینی، ۱۳۶۴، ۱/۱۰۳) به نفی دیدن ظاهری باری تعالی تأکید شده است.

توجه به شناخت صحیح خداوند و عدم تشبیه باری تعالی به مخلوقین در عصر حاضر نیز قابل توجه است که باید با تاسی از این سیره امام حسین(ع) با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر اهل بیت(ع) به تبیین صحیح این امر پرداخت.

۱-۲- پاسخ به سوالات مردم درباره خداوند سبحان

امام حسین(ع) علاوه بر این که خود به تبیین معارف دین برای مردم می پرداختند به سوالات و نامه هایی که برای ایشان نوشته می شد به طور کامل پاسخ می دادند، از جمله نامه اهل بصره به امام حسین(ع) و سوال از «الصَّمَد»، ایشان ابتدا مردم را از خوض در قرآن و تفسیر به رای برحذر می دارد: «حَدَّثَنِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَهْلَ الْبَصْرَةِ كَتَبُوا إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ع يَسْأَلُونَهُ عَنِ الصَّمَدِ فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * أَمَّا بَعْدُ فَلَا تَخُوضُوا فِي الْقُرْآنِ وَلَا تُجَادِلُوا فِيهِ وَلَا تَتَكَلَّمُوا فِيهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ» این سخن امام(ع) ناظر بر این مطلب است که بدون علم نمی توان به تفسیر آیات قرآن پرداخت و این نکته از این کلام برداشت می شود که علم مطلق به آیات قرآن نزد معصومین(ع) است که خداوند به آن ها عنایت کرده است که این مطلب در روایات معتبر بیان شده که فهم مطلق قرآن اختصاص به معصومین(ع) دارد (ن ک: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه اول؛ کلینی، ۱۳۶۴، ۱/۱۰۳).

امام حسین(ع) در خطاب به اهل بصره با استناد به آیات قرآن مفهوم صحیح صمدیت خداوند را بیان می کند. «ن ک: صدوق، بی تا: ۹۱) امام حسین(ع) در این رویکرد در قالب پاسخ به سوالات مردم، به تبیین صحیح شناخت خداوند سبحان عنایت داشتند.

۱-۳- بیان مباحث خداشناسی در قالب دعا

یکی از روش ها تعلیمی اهل بیت(ع)، بیان مفاهیم دینی در قالب دعا هست. دعا یکی از ابزارهای تعلیمی و تربیتی است که معصومین(ع) به آن توجه داشته اند. امام حسین(ع) نیز از این رویکرد در جهت بیان معارف الهی بهره برده است. مهم ترین دعایی که امام حسین(ع) در آن به مضامین عالی در خداشناسی و معرفت الهی اشاره می کند، دعای عرفه است (سند این دعا اولین بار در کتاب اقبال الاعمال سید بن طاووس بیان شده است. سید بن طاووس قبل از نقل این دعا اینگونه می نویسد: «وَمِنَ الدَّعَوَاتِ الْمَشْرُفَةِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ دُعَاءُ مَوْلَانَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ص (ابن طاووس، ۱۳۸۲: ۱/۳۳۹). در اعتبار این دعا اکثر علما و حدیث پژوهان به اعتبار آن اذعان نموده اند.

در این دعا امام حسین(ع) معارف والا و عمیقی را با استناد به مضامین قرآن و سنت بیان می نماید.

بیان صفات ثبوتی خداوند سبحان در ابتدای این دعای شریف به چشم می خورد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ صَنَعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَآتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ» (ابن طاووس، ۱۳۸۲: ۱/۳۳۹). امام(ع) در این دعا به وحدانیت خداوند با استناد به آیات قرآن اشاره می نماید: «أَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ [فَيَكُونُ] مَوْرُوثًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي

الْمُلْكُ فَيُضَادُّهُ [فیضاده] فِيمَا ابْتَدَعَ وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدَّلِّ فَيَرْفِدُهُ [فیرفده] فِيمَا صَنَعَ سُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَ تَفَطَّرَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْحَقِّ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (ابن طاووس، ۱۳۸۲: ۳۴۲/۱). در این عبارت امام حسین (ع) وحدانیت باری تعالی با استناد به آیات قرآن کریم بیان می نماید و همراه آن به تفسیر این آیات می پردازد. تنزیه خداوند از شباهت یا عدل قرار گرفتن با مخلوقات از دیگر مواردی است که امام (ع) بر آن تاکید می کنند و در این باره نیز به آیات قرآن استناد می نماید: «فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ وَلَا يَسْ كَمَثَلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ابن طاووس، ۱۳۸۲: ۳۴۰/۱). در جای دیگر به تسبیح و تنزیه خداوند اشاره می کند: «فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدًى مُعِيدٍ حَمِيدٍ مُجِيدٍ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ أَلَاؤُكَ» (ابن طاووس، ۱۳۸۲: ۳۴۱/۱).

شناخت خداوند و افزایش معرفت به او از طریق یادآوری نعمت های بیکران او یکی دیگر رویکردهایی است که امام حسین (ع) برای معرفی صحیح خداوند و به جای آوردن شکر او بیان می نماید همچنان که در قرآن کریم این رویکرد فراوان به چشم می خورد از جمله: «وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِن تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم/۳۴). امام حسین (ع) نیز با استناد به این آیه قرآن نعمت های بی کران خداوند را اینگونه یادآور می شود: «فَأَيُّ أَنْعُمِكَ [فای نعمتک] يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدًا أَوْ ذَكَرًا أَمْ أَيْ [أى] عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا وَ هِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ يُلْغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ» (ابراهیم/۳۴).

و موارد فراوان دیگر که امام حسین (ع) در این دعای ارزشمند معارف عمیقی را به مومنان تعلیم می دهد و با معرفی صحیح خداوند و افزایش معرفت به او به اصلاح تفکرات ناصحیح درباره باری تعالی می پردازد.

۱-۲- تبیین مبحث امامت و ولایت

یکی از مسائل مهم که از همان آغاز در میان مسلمانان مطرح بوده، جانشینی و ولایت پس از پیامبر اکرم (ص) است؛ مناقشات فراوانی از آغاز تا کنون در این باره وجود داشته و هر گروهی جهت اثبات اعتقاد خود به ادله ای استناد جسته اند. درباره ولایت و جانشینی پس از پیامبر اکرم (ص) آیات قرآن و روایات قطعی از پیامبر اکرم (ص) این مهم را تبیین نموده اند. آیات: ولایت (مائده/۵۵)؛ تبلیغ (مائده/۶۷) و اکمال دین (مائده/۳) از مهم ترین آیات در این باره هستند. امام حسین (ع) نیز به تبعیت از فرامین قرآن و پیامبر اکرم (ص) به روشنگری در این زمینه پرداختن و در مواضع گوناگون این اصل مهم اعتقادی را برای مردم تبیین می نمودند اقدامات امام حسین (ع) در این باره را می توان در موارد زیر بیان داشت.

۱-۲-۱- پیوند توحید و ولایت

امام حسین (ع) در موارد گوناگون به این مهم توجه داشته و آن را تبیین نموده اند. زمانی که برای مردم درباره توحید سخن گفتند و چگونگی معرفت به خداوند و عبادت او را بیان داشتند شخصی از امام (ع) اینگونه سوال نمود: «فَقَالَ لَهُ

رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ و امام (ع) در پاسخ فرمودند: «قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ» (صدوق، بی تا: ۹/۱) امام در این بیان معرفت خداوند را با شناخت امام زمان هر عصر پیوند می دهد به این معنا که شناخت صحیح خداوند تنها از طریق امام صورت می گیرد. از سوی دیگر نیز قبول ولایت ائمه (ع) به معنای تسلیم امر خداوند شدن و توحید است.

۱-۲-۲- تبیین مقام اهل بیت (ع) و لزوم اطاعت از آنان

امام حسین (ع) در موارد گوناگون به تبیین مقام اهل بیت (ع) می پردازد که خود یکی از اهل بیت (ع) است. امام حسین (ع) در جامعه ی آن روز که مردم این ثقل قرآن را فراموش کرده بودند و نست به آنان بی توجه بودند متذکر می شود و با یادآوری این مطلب مردم را به سمت اهل بیت (ع) سوق می دهد. ایشان با استناد به حدیث ثقلین که پیامبر اکرم (ص) بارها آن را بر امت خود متذکر شده بود، مقام اهل بیت (ع) را این گونه تبیین می نماید: «فَقَالَ الْحُسَيْنُ ع نَحْنُ حِزْبُ اللَّهِ الْغَالِبُونَ وَ عِترَةُ رَسُولِهِ الْأَقْرَبُونَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ الطَّيِّبُونَ الطَّاهِرُونَ وَ أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ الَّذِينَ [اللَّذِينَ خَلَقَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي أُمَّتِهِ] (مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۴/۲۰۵) آنگاه امام (ع) مردم را به اطاعت از خویش دعوت می کند و با استناد به آیات قرآن کریم اطاعت از اهل بیت (ع) را همان اطاعات از پیامبر اکرم (ص) و خداوند سبحان بیان می نماید: «فَأَطِيعُونَا فَإِنْ طَاعَتَنَا مَفْرُوضَةٌ إِذْ كَانَتْ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولِهِ مَقْرُونَةً قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ [النساء/۵۸] وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (النساء/۸۳) امام حسین (ع) امر به اطاعت از ائمه (ع) را دستوری از جانب خداوند سبحان بیان می کند: «وَ اللَّهُ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَ قَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا» (النساء، ۴۴-۱۸۳) این سخنان امام حسین (ع) ناظر بر عصمت ائمه (ع) است که هیچ خطا و اشتباهی انجام نمی دهند به همین دلیل است که اطاعت از آنان چون اطاعت از خداوند واجب شده است. امام (ع) با استناد به این آیات قرآن اطاعت از ائمه (ع) را که همان اولوالامر می باشند را بیان می کند.

۱-۲-۳- عدم تائید حاکمان غاصب و نهی از اطاعت آنان

امام حسین (ع) علاوه بر تبیین مقام اهل بیت (ع) و ازوم پیروی از ایشان، حاکمان غاصب را تائید نمی نماید و مردم را از پیروی آنان نهی می کند، امام حسین (ع) مردم را از پیروی و اطاعت از حزب شیطان بر حذر می دارد: «وَ أَحْذَرُكُمْ الْأِصْغَاءَ لَهُتَافِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (البقره/۱۶۸) فَتَكُونُوا أَوْلِيَاءَهُ الَّذِينَ قَالَ لَهُمْ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانِ نَكَصَ عَلَى عَقْبِهِ» (الانفال/۴۸) وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ» (انفال/۴۸) فَتَلْقَوْنَ إِلَى الرَّمَاكِ وَ زَرَأَ وَ إِلَى السُّيُوفِ جَزَرًا وَ لِلْعُمَدِ حَطْمًا وَ لِلْسِهَامِ غَرَضًا ثُمَّ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» (الانعام/۱۵۸) امام حسین (ع) در این بیان به اصلاح این تفکر ناصحیح که در جامعه آن

زمان بود {که بر این باور بودند که هر که خلیفه شد باید از او اطاعت نمود} می‌پردازد که تنها از کسی باید اطاعت نمود که جانشین پیامبر (ص) و امام برحق باشد.

امام حسین (ع) در موارد متعدد دیگر به تبیین مقام اهل بیت (ع) می‌پردازد و ولایت و خلافت را استحقاق آنان بیان می‌نماید. در عصر حاضر نیز توجه به این مطلب حائز اهمیت است. باید بدون توهین به اعتقادات دیگر فرق، این مساله با تکیه بر منابع معتبر تبیین گردد همچنان که امام حسین (ع) و دیگر معصومین (ع) به تبیین و ترویج آن پرداختند.

۲- اصلاح و تبیین ارزش های اخلاقی

سیره علمی و عملی امام حسین (ع) در اصلاح و تبیین ارزش های اخلاقی در موارد متعددی قابل بررسی است که در ادامه به برخی از مهم ترین آنها اشاره می‌شود.

۲-۱- تاکید بر اجتناب از رذایل اخلاقی

رذایل اخلاقی، صفات ناپسندی می‌باشند که در فرهنگ اسلامی به دوری از آنها امر شده است؛ رذایل اخلاقی نه تنها روح و روان انسان را آلوده می‌کند بلکه تاثیرات سوئی بر روی خانواده و جامعه به جا می‌گذارد؛ امام حسین (ع) در موارد گوناگون مردم را از پرداختن به این رذایل نهی می‌نمودند از جمله:

۲-۱-۱- پرهیز از خشم و غضب

خشم و غضب، منشأ بسیاری از آسیب ها و بزه کاری های اجتماعی است. حالت خشم و غضب، از خطرناکترین حالات است که اگر کنترل نشود، به صورت یک نوع جنون و دیوانگی و از دست دادن کنترل اعصاب خود نمایی می‌کند. بسیاری از جنایات و تصمیم های خطرناکی که انسان یک عمر باید کفاره و جریمه آن را بپردازد در چنین حالی انجام می‌شود. قرآن کریم در مورد ویژگی های زندگی افراد با تقوا می‌فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۳۴)؛ «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ» (شوری/۳۷).

امام حسین (ع) نیز در موارد گوناگون به دوری از این رذیله اخلاقی و آراستن به حلم و بردباری تاکید نموده‌اند، ایشان در این باره می‌فرماید: «إِنَّ الْحِلْمَ زِينَةٌ وَالْوَفَاءُ مَرْوَةٌ» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۲۲/۷۵) امام حسین (ع) حلم را زینت انسان بیان می‌کند، حلم به معنای بردباری است و یکی از شاخصه های بردباری فرو بردن خشم است به همین جهت امام حسین (ع) بخشنده ترین مردم را اینگونه معرفی می‌نماید: «وَإِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَنْ قُدْرَةٍ» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۱۲۲/۷۵) به این معنا که در حال قدرت و توانایی به خشم نفس خود غلبه کردن و در همان حال بخشیدن است، این اخلاق حسنه در سیره علمی و عملی اهل بیت (ع) از جمله امام حسین (ع) کاملاً نمایان است. فرو بردن خشم، دو ثمره ی مهم دارد این که نه تنها باعث جلوگیری از مفسدات اجتماعی می‌شود بلکه به عنوان یکی از عوامل فراهم ساز آرامش برای انسان، سلامت روحی را در او به وجود می‌آورد؛ چنانکه در آموزه های اهل بیت (ع) بر این مطلب تاکید شده است: «مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ

عَلَىٰ إِنْفَاذِهِ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ أَمْنًا وَ إِيْمَانًا» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۱۰/۶۸) بنابراین، تمرین و ممارست در فرو بردن خشم و عدم تصمیم گیری در زمان خشم، عامل مهمی در جلوگیری از آسیب های اجتماعی می شود، که این مهم در تعالی سلامت فردی و اجتماعی بسیار موثر است.

۲-۱-۲- اجتناب از بدگمانی، تجسس، غیبت

برخی از رذایل اخلاقی، از دو جهت در تخریب سلامت فردی و اجتماعی دخالت دارند. این رذایل اخلاقی، از یک جهت زمینه را برای بروز و تقویت انرژی منفی در شخص انجام دهنده فراهم می کنند و انرژی مثبت او را به سمت کاستی یا نیستی می برند؛ از سوی دیگر باعث بروز تشویش خاطر در دیگران شده و زمینه انزجار و نفرت را تقویت می کند که می توانند عواقب بدی در زندگی فردی و اجتماعی داشته باشند. قرآن کریم به این مورد نیز توجه داشته و در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات/۱۲).

امام حسین(ع) علاوه بر نهی از این موارد به عواقب بدی دنیوی و اخروی آنها اشاره نموده اند ایشان در نهی از غیبت کردن و عواقب بد اخروی آن خطاب به مردی که غیبت می نمودند فرمود: «وَقَالَ ع لِرَجُلٍ اِغْتَابَ عِنْدَهُ رَجُلًا يَا هَذَا كُفَّ عَنِ الْغِيْبَةِ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ» (حرانی، ۱۴۴: ۲۴۵) امام حسین(ع) نه تنها به آن مرد بلکه به تمام مومنان و پیروان خود این توصیه را نموده اند که این مطلب مستنبط از آموزه های قرآن و سنت است. بدگمانی، تجسس و غیبت نه تنها از جنبه دینی مذموم هستند و عواقب ناگواری برای انجام دهنده آنها بیان شده است بلکه به لحاظ روانشناختی نیز انجام این رذایل اخلاقی، منفی نگری در زندگی را تقویت می کنند و انرژی انسان صرف امور بیهوده می شود که مهم ترین نتیجه آن عدم آرامش در زندگی می باشد.

۲-۲- اهتمام به فضایل اخلاقی

امام حسین(ع) در کنار نهی از رذایل اخلاقی و اصلاح ارزش های اخلاقی در این زمینه، پیروان خویش را تشویق به فضایل اخلاقی و اهتمام به آنها نیز می نمودند. توجه به این توصیه مهم امام حسین(ع) عامل مهمی در جهت تعالی زندگی مومنان است ایشان در خطاب کلی در جهت تشویق به انجام فضایل اخلاقی و کسب آنها فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ - وَ لَا تَحْتَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَّمْ تَعْمَلُوا - وَ اكْسِبُوا الْحَمْدَ بِالْإِجْحِ - وَ لَا تَكْتَسِبُوا بِالْمَظْلِ ذِمًّا - فَمَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ صَنِيعَةٌ - لَهُ رَأْيٌ أَنَّهُ لَا يَقُومُ بِشُكْرِهَا فَاللَّهُ لَهُ بِمُكَافَاتِهِ - فَإِنَّهُ أَجَزُّ عَطَاءً وَ أَعْظَمُ أَجْرًا» (محدث اربلی، ۱۳۸۱: ۲۹/۲) خطاب امام حسین(ع) در این خطبه کل مردم است، در عصر حاضر نیز یکی از مهم ترین مباحث مورد نیاز جوامع اسلامی و زندگی مسلمانان توجه به فضایل اخلاقی و اجرائی کردن آنها در زندگی است که با انجام این موارد، زندگی فردی و اجتماعی سرشار از محبت و جذابیت می شود. به عبارتی این امور تحلیه روحانی را فراهم می کند که نتیجه آن

آرامش فردی و اجتماعی می‌باشد. از جمله فضایل اخلاقی که در تعالی سلامت فردی و اجتماعی موثر می‌باشند و در سیره علمی و عملی امام حسین (ع) مورد تاکید قرار گرفته‌اند عبارتند از:

۲-۲-۱- خوش خلقی و نرم خوئی

حسن خلق یکی از صفات خوب و پسندیده است که دیگران را در دام محبت اسیر می‌کند. اهمیت خوش اخلاقی در فرهنگ دینی تا آنجا می‌باشد که قرآن کریم یکی از دلایل مهم موفقیت پیامبر اکرم (ص) را خوش خلقی ایشان بیان می‌دارد: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/ ۱۵۹) خوش خلقی تا آنجا اهمیت دارد که یکی از ملاک‌های برتری پیامبر (ص) بر پیامبران دیگر عنوان شده است: «يَا أَحْمَدُ؛ هَلْ تَدْرِي لَايَ شَيْءٍ فَضَّلْتُكَ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: بِالْيَقِينِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَسَخَاوَةِ النَّفْسِ وَرَحْمَةِ بِالْخُلُقِ» (دیلمی، ۱۴۲۱ق: ج ۱/ ۲۰۵). امام حسین (ع) خوش اخلاقی را عبادت می‌داند آنجا که می‌فرماید: «الْخُلُقُ الْحَسَنُ عِبَادَةٌ وَالصَّمْتُ زَيْنٌ» (يعقوبی، بی تا: ۲/ ۲۴۶) در این حدیث گهربار امام حسین (ع) اخلاق نیکو را عبادت و خاموشی را زینت بیان می‌نماید به این معنا که عبادت با اخلاق نیکو عجین شده است نمی‌شود کسی مومن باشد اما اخلاق نیکویی نداشته باشد به همین جهت از نشانه‌های مومن اخلاق نیکو است. اخلاق نیکو آثار فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی دارد به گونه‌ای که می‌تواند زمینه همدلی و صمیمیت را در خانواده و جامعه فراهم نماید. اخلاق حسنه در ابعاد مختلف زندگی، نه تنها پویایی و نشاط شخص خوش اخلاق را فراهم می‌کند بلکه باعث تاثیرات آرامشی در دیگران نیز می‌شود؛ به خاطر تاثیرات والای خوش اخلاقی است که در فرهنگ اسلامی، کامل‌ترین افراد مؤمن از نظر ایمان کسانی معرفی شده‌اند که اخلاق و رفتار نیکوتر داشته باشند: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲/ ۹۹) خوش اخلاقی و خوش برخوردی تاثیرات مهمی در تعالی سلامت خانواده دارد؛ جذب فرزندان به کانون خانواده و ایجاد آرامش در آن، مرهون اخلاق خوش والدین است. بنابراین نهاده‌سازی اخلاق شایسته در جامعه، تعالی آن را فراهم می‌کند.

۲-۲-۲- اصلاح ارزش های اخلاقی در بعد اجتماعی

امام حسین (ع) همچون پیامبر اکرم (ص) و دیگر ائمه (ع) نسبت به جامعه بی تفاوت نبودند بلکه تمام تلاش خود را برای اصلاح جامعه از رذایل و آراستن آن به فضایل انجام می‌دادند. سیره امام حسین (ع) نمونه‌ای از اهتمام به جامعه و تکامل آن است. اقدامات امام حسین (ع) در بعد اجتماعی اخلاق و اصلاح ارزش‌های اخلاقی در سه محور قابل بررسی است: اول: اصلاح ارزش‌های و مبارزه با منشاء اختلاف: مهم‌ترین اقدام امام حسین (ع) در این زمینه اصلاح ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه بود در زمان امام حسین (ع) حاکمان غاصب بنی‌امیه اختلافات فراوانی در جامعه به وجود آورده بودند از جمله، تحریف تعالیم اسلام و تغییر ارزش‌های دینی و سبک زندگی اسلامی. امام حسین (ع) با حرکت بزرگ

اسلامی

خود و فدا نمودن جان و مال و اولاد خود به اصلاح این اختلاف ها و نشان دادن منشاء اختلاف همت گماردند. امام حسین(ع) در تبیین حرکت خود جهت اصلاح ارزش ها از شریعت پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «وَأَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَّتْ ص» (کلینی، ۱۳۶۲: ۳۲۹/۴۴) امام(ع) تمام هستی خود را فدا نمودند تا اصلاح بزرگی در جامعه آن روز به وجود آورند و اختلافی را که حاکمان غاصب به وجود آورده بودند از بین ببرند.

دوم: توجه به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و نهادینه سازی آن در جامعه: یکی از شاخصه های مهم اخلاق در بعد اجتماعی که نقش مهمی در تعالی سلامت فردی و اجتماعی جامعه دارد، امر به معروف و نهی از منکر است؛ امر به معروف به معنای امر به اموری است که سلامت معنوی جامعه را تامین می کنند و نهی از منکر به معنای نهی از مواردی است که در تقابل با سلامت معنوی جامعه می باشند به عبارت دیگر امر به معروف به معنای تحلیل جامعه به فضایل اخلاقی و نهی از منکر به معنای تخلیه جامعه از رذایل اخلاقی است؛ سیره امام حسین(ع) نمونه ای تام از توجه به این فریضه الهی است. امام حسین(ع) حرکت بزرگ خود را به خاطر اصلاح جامعه از رذایل و آراستن به فضایل بیان می نماید آنجا که می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا اتِّمَاسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ يَعْمَلَ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ» (حرانی، ۱۴۴۴ق: ۲۳۷) امام حسین(ع) در این کلام هدف خویش نه برای رسیدن به منافع دنیوی بلکه برای اصلاح دین بیان می نماید. در همین رابطه می فرماید: «أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۳۰/۴۴) انجام این فریضه الهی آثار ولایی در زندگی مومنان خواهد داشت و جامعه را به سمت و سوی سعادت و کمال سوق می دهد. امام حسین(ع) در این زمینه آثار فراوانی را برای این فریضه الهی بیان می نماید که انجام آنها تاثیر بسیاری در سلامت جامعه دارد؛ ایشان در این باره می فرماید: «قَدْ أَلَّهِ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ مِنْهُ لَعَلَّهُمُ بَانَهَا إِذَا أُدِيَتْ وَ أُقِيِمَتْ اسْتَقَامَتِ الْفَرَائِضُ كُلُّهَا هَيَّيْهَا وَ صَعَبَهَا وَ ذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ مَعَ رَدِّ الْمَظَالِمِ وَ مُحَالَفَةِ الظَّالِمِ وَ قِسْمَةِ الْفِيءِ وَ الْغَنَائِمِ وَ أَخْذِ الصَّدَقَاتِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَ وَضْعِهَا فِي حَقِّهَا» امام حسین(ع) یکی از عوامل شیوع فساد و ظلم در جامعه را ترك این فریضه الهی بیان می نماید به همین با استناد به آیات قرآن کریم کسانی را که به خاطر منافع خود این فریضه را ترك نموده اند توبیخ می نماید: (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۳۰/۴۴) تمامی این تاکیدات به جهت تاثیرات والای این فریضه الهی در تکامل و سعادت انسان ها است چرا که عمل به این فریضه تبادل نیکی ها و دفع بدی ها را در جامعه به دنبال دارد.

سوم: توجه به اقتصاد جامعه و اصلاح ارزش های اقتصادی: جامعه دارای طبقات گوناگون است که برخی از آنها مستند و فقیر هستند، بی توجهی به این قشر آسیب های اجتماعی و اقتصادی متعددی را در جامعه ایجاد می نماید؛ تجمل

گرائی و ثروت‌اندوزی و بی‌توجهی به محرومان از آسیب‌های جدی در این زمینه است؛ امام حسین (ع) در این زمینه نیز به اصلاح این موارد پرداخت و فرهنگ کمک به نیازمندان و رفع گرفتاری گرفتاران جامعه را در سیره علمی و عملی خود نشان دادند؛ ایشان در اهمیت توجه نیازهای مردم و رفع گرفتاری آنها می‌فرماید: «وَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالصَّيِّعَةِ إِلَى أَخِيهِ - كَفَّاهُ بِهَا فِي وَقْتِ حَاجَتِهِ - وَصَرَفَ عَنْهُ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ - وَمَنْ نَفْسُ كَرْبَةٍ مُؤْمِنٍ - فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ - وَمَنْ أَحْسَنَ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْهِ - وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (حرانی، ۱۴۴۴ق: ۲۰/۲).

سیره عملی امام حسین (ع) به خوبی چگونگی کمک به نیازمندان را بیان می‌نماید، ایشان به گونه‌ای حاجت نیازمندان را برآورده می‌نمود که عزت نفس آنان خدشه‌دار نشود و دچار شرمساری نگردند؛ زمانی که شخصی از امام (ع) طلب حاجت نمود امام حسین (ع) به جهت حفظ عزت نفس ایشان فرمود که حاجت خویش را مکتوب نماید آنگاه پس از برآورده نمودن حاجت ایشان، افرادی را که می‌توان به آنها اظهار حاجت کرد را بیان می‌نماید: «وَجَاءَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يُرِيدُ أَنْ يَسْأَلَهُ حَاجَةً فَقَالَ يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَذْلِ الْمَسْأَلَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَإِنِّي آتٍ فِيهَا مَا سَأَرْتُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَكَتَبَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنْ لِفُلَانٍ عَلَيَّ خَمْسُمَائِهِ دِينَارٌ وَقَدْ أَلَحَّ بِي فَكَلَّمْتُهُ يُنْظِرُنِي إِلَى مَيْسَرَةٍ فَلَمَّا قَرَأَ الْحُسَيْنُ عِ الرُّقْعَةَ دَخَلَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَخْرَجَ صُرَّةً فِيهَا أَلْفُ دِينَارٍ وَقَالَ لَهُ أَمَّا خَمْسُمَائِهِ فَأَقْضِ بِهَا دِينَكَ وَأَمَّا خَمْسُمَائِهِ فَاسْتَعِنْ بِهَا عَلَى دَهْرِكَ وَلَا تَرْفَعْ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَى أَحَدٍ ثَلَاثَةَ إِلَى ذِي دِينَ أَوْ مُرُوَّةٍ أَوْ حَسَبٍ فَأَمَّا ذُو الدِّينِ فَيَصُونُ دِينَهُ وَأَمَّا ذُو الْمُرُوَّةِ فَإِنَّهُ يَسْتَحْيِي لِمُرُوَّتِهِ وَأَمَّا ذُو الْحَسَبِ فَيَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تُكْرَمْ وَجْهَكَ أَنْ تَبْذُلَهُ لَهُ فِي حَاجَتِكَ فَهُوَ يَصُونُ وَجْهَكَ أَنْ يَرُدَّكَ بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتَكَ» (حرانی، ۱۴۴۴ق: ۲۴۷/۲).

به جهت آثار بد فقر در جامعه است که معصومین (ع) تمام تلاش خود را برای تقلیل آن انجام می‌دادند. امام حسین (ع) نیز علاوه بر توصیه یارن و پیروان خود به انفاق و کمک به نیازمندان، خود به صورت عملی به نیازمندان و کسانی که مشکلات مالی داشتند کمک می‌نمودند. توجه به نقش الگویی امام حسین (ع) در نهادهای سازی این فضیلت اخلاقی در عصر امروز کاربرد فراوانی دارد و می‌تواند به تقلیل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از فقر کمک نماید. چهارم: رفع اختلاف‌ها و ایجاد الفت و یکپارچگی در جامعه: در آموزه‌های امام حسین (ع) به اصلاح اختلاف‌ها و پیوند با یکدیگر تاکید شده است امام حسین (ع) در این باره می‌فرماید: «إِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۰۰/۷۱) این روایت به خوبی نشان می‌دهد که تاکید امام حسین (ع) بر اتحاد و همدلی و پرهیز از اختلاف است و ایشان این توصیه را می‌نماید که حتی با کسی که به خاطر اختلاف و مشکلی با تو قطع رابطه کرده پیوند داشته باش و اختلاف را رها نما. در سطح کلان نیز این مهم حکم فرماست و باید اختلاف تفرقه از بین مسلمانان ریشه کن شود و در سایه ريسمان الهی به دستورات خداوند عمل نمایند چرا که در آموزه‌های دین اصلاح اختلاف‌ها، از تمامی نمازها و روزه‌ها برتر معرفی شده است امام علی (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمْ ص يَقُولُ صَلَاحُ

اسلامی

ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ» (نهج البلاغه، وصیت ۴۷) این مهم حاکی از اهمیت وحدت اجتماعی و نبود اختلاف است. در عصر حاضر نیز رفع اختلاف ها در سایه اشتراکات حائز اهمیت است، در این عصر که دشمنان اسلام در پی اختلاف و تفرقه افکنی میان مسلمان و اقوام مختلف مسلمان از عرب و عجم هستند بر همه مسلمانان از تمامی اقوام است که با محوریت اشتراکات تفرقه افکنی و اختلاف را رها نمایند. مسئولیت شیعیان به تاسی از امام حسین(ع) در این زمینه بیشتر است.

نتیجه گیری

بر اساس مطالب پیش گفته مهم ترین نتایج این پژوهش را می توان در موارد زیر فهرست نمود:

۱. بررسی سیره امام حسین(ع) در تمام مراحل زندگی ایشان مجاهدت ایشان را در جهت هدایت انسان ها و تبیین آموزه های دینی نشان می دهد. امام حسین(ع) در تمام مراحل زندگی خود با تاسی به قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) و ائمه پیش از خود از همه هستی خود در راه خداوند بهره گرفتند و در این راه تمام هستی خود را فدا نمودند تا بندگان خداوند هدایت شوند و دین الهی پایر جا گردد.
۲. امام حسین(ع) در ابعاد مختلف به اصلاح ارزش ها و تبیین صحیح آنها پرداختند، در بعد اعتقادی در زمینه خداشناسی و توحید، امام حسین(ع) ابتدا افکار ناصحیح و باورهای نادرست در زمینه خداوند را تخطئه نمودند، آنگاه خداشناسی و توحید را در ابعاد مختلف با استناد به آیات قرآن تبیین نمودند.
۳. یکی دیگر از مباحثی که امام(ع) به تبیین صحیح آن می پردازد بحث امامت و ولایت اهل بیت(ع) است. با توجه به مہجوریت اهل بیت(ع) پس از پیامبر اکرم(ص) و خصوصاً در زمان بنی امیه، امام حسین(ع) با استناد به آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم(ص) مقام اهل بیت(ع) را تبیین نمودند. امام حسین(ع) در سه بعد مهم به تبیین جایگاه اهل بیت(ع) پرداختند، اول پیوند توحید با امامت، دوم تبیین مقام و جایگاه اهل بیت(ع) و واجب الطاعه بودن ایشان، سوم عدم تأیید حاکمان غاصب و نهی مردم از پیروی از آنان.
۴. در بعد اخلاقی امام حسین(ع) در دو محور اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی به اصلاح ارزش ها و تبیین فضایل اخلاقی می پردازد. در بعد فردی، امام حسین(ع) با دو رویکرد تحذیری و تشویقی به اصلاح و تبیین ارزش های اخلاقی در این زمینه می پردازد. در رویکرد تحذیری به اجتناب از رذایل اخلاقی و در رویکرد تشویقی بر اهتمام به فضایل اخلاقی تأکید می نمایند. سیره امام حسین(ع) و حرکت عظیم آن حضرت نشانگر اهتمام ایشان به جامعه و اصلاح ارزش ها در بعد اجتماعی است. اصلاح اختلافات، امر به معروف و نهی از منکر و کمک به اقشار مستمند جامعه از مهم ترین تلاش های امام حسین(ع) در این زمینه است.

۵. توجه به سیره امام حسین (ع) و به کارگیری این سیره در عصر حاضر، دو نتیجه مهم به همراه خواهد داشت. اول اینکه زمینه احیاء معارف حسینی را فراهم می‌نماید و قطره‌ای از دریای مجاهدت‌های امام حسین (ع) بیان می‌شود. دوم آن که تبیین و ترویج این مباحث و نهاده‌سازی آنها در جوامع اسلامی، از یک سو سلامت فردی و اجتماعی را به همراه دارد و به تعالی فرهنگ اسلامی کمک می‌نماید که این مطلب یکی از اهداف غائی نهضت امام حسین (ع) بوده است و از سوی دیگر موجبات جذب انسان‌های آزاد اندیش به این فرهنگ غنی را از مذاهب گوناگون فراهم می‌نماید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن العساکر، أبی القاسم علی بن الحسن، (بی تا)، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، دار الفکر.
۳. ابن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن محمد، (۱۴۲۱ ق)، المسند، الناشر، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۸۲)، اللہوف علی قتلی الطفوف، قم، نشر بلوغ.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، (بی تا)، إقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامیہ.
۶. ابن قولویه، ابی القاسم جعفر بن محمد، (۱۳۵۶ ق)، کامل الزیارات، نجف، منشورات المرتضوی.
۷. ابن کثیر الدمشقی، (بی تا)، البداية و النہایہ، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. ابن کثیر الدمشقی، ابو الفداء إسماعیل، (۱۴۱۹ ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیہ.
۹. الأشعری، ابو الحسن، (۱۴۰۰ ق)، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، آلمان، فرانس شتاينر.
۱۰. أُمینی، عبد الحسین، (۱۳۶۶)، الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، تهران، دار الکتب الإسلامیہ.
۱۱. الترمذی، محمد بن عیسی، (۱۳۹۵ ق)، سنن الترمذی، الناشر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة، الثانية.
۱۲. الجصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ ق)، احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. الحاکم النیشابوری، أبو عبد الله، (۱۴۱۱ ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دار الکتب العلمیہ، الطبعة، الأولى.
۱۴. الحرانی، ابن شعبه، (بی تا)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، جامعه مدرسین.
۱۵. الحسکانی، ابوالقاسم عبید الله بن عبد الله، (بی تا)، شواهد التنزیل، تهران، انتشارت وزارت ارشاد.
۱۶. السید رضی، (۱۴۰۴ ق)، نهج البلاغة، قم، انتشارت هجرت.
۱۷. السيوطی، جلال الدین، (بی تا)، تفسیر الدر المنثور، بیروت، دار المعرفة.

۱۸. شریفی، محمد و همکاران، (بی تا)، دایرة المعارف امام حسین (ع)، قم، معهد تحقیقات باقر العلوم.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، انتشارات جهان.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۲. صدوق، محمد بن علی، (بی تا)، آمالی، بیروت، منشورات علمی.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، (بی تا)، علل الشرایع، قم، انتشارات داوری.
۲۴. الطباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۳، ص ۲۲۵.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، الطبعة الأولى.
۲۶. عسکری، السید مرتضی، (۱۴۳۰ق)، نقش ائمه در احیای دین، تهران، انتشارات دانشگاه اصول دین.
۲۷. عسکری، السید مرتضی، (بی تا)، معالم المدرستین، تهران، انتشارات دانشگاه اصول دین.
۲۸. القرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۸۷ق)، الجامع الأحکام القرآن، قاهره.
۲۹. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن، (بی تا)، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم، المحقق، محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲)، الکافی، تهران، انتشارات الإسلامية.
۳۱. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، انتشارات الإسلامية.
۳۲. محدث اربلی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، تبریز، انتشارات بنی هاشمی.
۳۳. المعتزلی، ابن ابی الحديد، (بی تا)، شرح نهج البلاغة، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
۳۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (بی تا)، الاختصاص، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (بی تا)، الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۶. الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم، (۱۴۳۰ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
۳۷. اليعقوبی، احمد بن اسحاق، (بی تا)، تاریخ اليعقوبی، بیروت، دار صادر.

Analysis of the Quranic Life of Imam Hussein (AS) in Reforming the Belief and Moral Values of the Islamic Society

Asghar Tahmasbi Baldaji^۲

Abstract

The life of Imam Hussein (AS), like other infallibles (AS), is a complete and absolute example in the service of God. Imam Hussein (AS) dedicated his entire life to God and in this way made every effort to guide people and implement divine commands. The present study, using a descriptive-analytical method, examines the life of Imam Hussein (AS) in reforming and reviving belief and moral values. The first part of this study refers to the life of Imam Hussein (AS) in reforming belief values, in which Imam Hussein (AS) explains monotheistic beliefs, knowledge of God and servitude to the Almighty, as well as introducing and explaining the status of the Ahl al-Bayt (AS) and their guardianship. In the second part, moral values are expressed in various individual and social dimensions, and in this regard, the role of Imam Hussein (AS) in reforming and explaining these values is referred to. The result is that: Imam Hussein (AS) in the aforementioned dimensions worked to reform the religious and moral values in the society of that day, and the goal of this effort was to correctly explain religious teachings. More importantly, paying attention to this struggle of Imam Hussein (AS) in the present era helps to elevate Islamic culture and institutionalize religious and moral values in Islamic societies; as his religious personality is becoming more and more known among Muslims.

Keywords: Imam Hussein (AS), Religious values, Moral values, Biography research.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۲ Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences, Shahrekord University; tahmasebi.asghar@yahoo.com